

بقلم : آقای قویم الدوله

محمد عتبی

(۲)

خواجه ابوالنصر محمد بن عبدالجبار عتبی در فنون سخن و شؤون ادب سرآمد اقران بوده ، از هر دانشی بهره‌ای اندوخته و از هر دفتر طرفه‌ای اقتباس کرده ، علمی وافر و فضلی متکثر و محاوره‌ای اندوه فرسا داشته ، ریاست انشاء در ایران و عراق بدو منتهی گشته ، رقعۀ منشآتش را چون کاغذ زر با قطار می‌بردند .

این نامه‌ایست که عتبی در اهداء شمشیر بتازی نبشته‌است :

خیر ما تقرب به الاصغر الی الاکابر ما وافق شکل الحال و قام مقام المقال .
وقد بعث بنصل هندی ؛ ان لم یکن فی قییم الاشیاء خطر ، فله فی فم الاعداء اثر . والنصل
والنصر اخوان ؛ والاقبال و القبول قرینان . والشیخ اجل من ان یری ابطال القال
ورد الاقبال .

روزی خواجه ابوالفتح علی بن محمد بستی در محفل انس از عتبی پرسید :

یا شیخ ! ما تقول فی الکرنب ؟

وی مرتجلاً در پاسخش این مصراع را سرود :

اطعمه ان لم یکن کری لی .

در صدر دولت سلطان محمود غزنوی ،

یمین دولت ابوالقاسم آفتاب ملوک

امین ملت محمود پادشاه جهـان

ریاست برید « گنج رستاق » که ناحیه پهناور است پر نعمت و بسیار کشت و آبادان
میان بادغیس و مرورود ، بعتبی مفوض شد .

ابوالحسن بغوری والی گنج رستاق ، که پیری فرعون طبیعت بود ، درباره او سعایتها می کرده است .

با اینکه رأی صوابنمای خواجه بزرگ شمس الکفاة ابوالقاسم احمد بن الحسن میمندی ، که وزیری مانند او در پیش تخت هیچ پادشاهی نبود ، اقتضا می کرد که محمد عتبی مقلد امور سلطانی باشد و شاه و وزیر تضریب اصحاب اغراض را در حق وی مسموع و مقبول نمی داشتند .

آزاد مرد تن در نداده گفت :

« من بنده هیچ محلی ندارم ، امثال من در دستگاه دولت بسیارند » و رخصت خواسته در نشابور توطن گزید ، و بخدمت ادبیات و علوم اقبال کرد ، و یک سره بتحقیق و تصنیف و تألیف مشغول شد .

مکرر می گفت :

« عمل السلطان کالحمام ، الخارج یؤثر الدخول والداخل یؤثر الخروج . »

چون پس از عز هر شغلی دل عزل است ، واجب نکند خود را در معرض مخالفت و تعرض هزار آفت در آوردن ، آدمی نباید آرزوهای دور و دراز داشته باشد ، هر چه میدان خواهشها و تمایلات کمتر باشد زندگانی او آرام تر و بسعادت نزدیکتر خواهد بود .

آنچه بر زخارف دنیا بیفزاید از کمال خود فرو کاسته است .

نشابور در آن روزگار کرسی ، کشور خراسان و شهری آباد و خوش هواء و پر جمعیت در دامنه جنوبی کوه «بینالود» ، نزدیک رود «فاروبرمان» مرکز تعلیمات عالیة اسلامی و مدرس علوم و مرجع مستعدین هر مرز و بوم و مجمع علماء نامی و جایگاه ارباب ذوق و اهل حال بود ، در فرو شکوه علمی نظیر مدینه السلام بغداد و دمشق و قرطبه .

سده پنجم هجری عصر زین تمدن شرق بوده ، در همه اقطار اسلامی مخصوصاً

خراسان و ماوراءالنهر بازار علم و ادب رونقی بسزا داشته‌است، در بیشتر بلاد مشاغل فروزان دانش و عرفان رخشان بود، بویژه نشابور که در انواع علوم و معارف و اقسام فنون و بدایع گلشنی باطراوت و گلستانی شاداب بود، محدثین و فقهاء و عرفاء و ادباء و شعراء و ریاضی دانان و حکماء بزرگ از آنجا برخاسته‌اند.

نشابور شهر بیست باستانی، در قدمت نظیر «ری»، که شاپور پسر اردشیر پاپکان ساسانی - بجای شادیاخ که ویران گشته بود پی افکنده است.
- «نه» بمعنی شهر است.

شیخ فریدالدین ابو حامد محمد عطار گفته است:

شهر شاپورم تولد گاه بود

در حرمگاه «رضا» ام راه بسود

نشابور در آن روز گار شهری بوده است که مانندش هیچ جای نشان نمی‌دادند. این شهرستان خندان بحسب آب و هوا از بیشتر بلاد خراسان بهتر و دارای دوهزار قریه آباد و نعمت فراوان است.

پیرامون شهر از فزونی آب و درخت و فور گل و گیاه نمونه بهشت برین است. در فروردین ماه باغ و راغ از گل نورسته و سبز گیاه بسان رخ دلبر و خطه دوست.

باغ همچون کلبه بزاز پر دیبا شود

باد همچون کلبه عطار پر عنبر شود

در ادیبهشت ماه حجله گاه عروسان بستان چون نگارخانه ارتنگ بدیبای هفت رنگ آراسته گردد، مرغان خوش الحان در اطراف شاخساران نغمه برمی‌کشند، گلبن از یاقوت رمانی افسر بر سر می‌نهد.

نشابور دارالملک عمر ولیث صفار و در روز گار سامانیان و غزنویان کرسی استان

پهناور خراسان (۱) و مقر سیهسالار کشور و قبه الاسلام بوده است .

مورخین باستان در وصف این شهر نبشته‌اند :

كان هذه المدينة مائجة بالعلم و العلماء زاخرة بالادب و المتأدین و كثر فيها الشعراء و المتكلمین كثرة يستحق عناية .

چیزی که بیشتر به نشر و توسعه دانش کمک می‌کرد کتابخانه‌های عمومی و خصوصی و مخازن مخطوطات گرانهای مدارس و مساجد بود.

عتبی در نشابور از مطالعه نسخ سودمند کتابخانه‌ها استفاده می‌برد ، در کتب هیئت و نجوم می‌دید و توسن طبع را بعلوم طبیعی و ریاضی ریاضت می‌کرد ، طبعش بخواندن تواریخ راغب بود و اخبار و سیر طوائف و اقوام را طالب ، ذکر جمیلش در افواه عوام و خواص افتاد وصیت سخنش در اقطار اسلامی رفت ، سرایش مرجع ارباب کمال و میعاد گاه اهل حال بود ، هر چه گفتندی و شنودندی سراسر لطائف حکایات و بدایع کلمات و طرف اخبار و تحقیق در دقائق علوم و نکت حکمت بود .

(۱) خراسان ، که امروز بیش از ثلث آن در قلمرو همسایگان است ، در روزگار باستان چهار شهر بزرگ داشته : نشابور ، مرو شاهجان ، هرات و بلخ :

گلفروش

گل نعمتی است هدیه فرستاده از بهشت

مردم کریمتر شود اندر نعیم گل

ای گلفروش! گل چه فروشی برای سیم

وز گل عزیزتر چه ستانی بسیم گل؟

کسانی مروزی